



Translate Luna

Clean Luna

Type Roya



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai



یه مشتری دیگه.



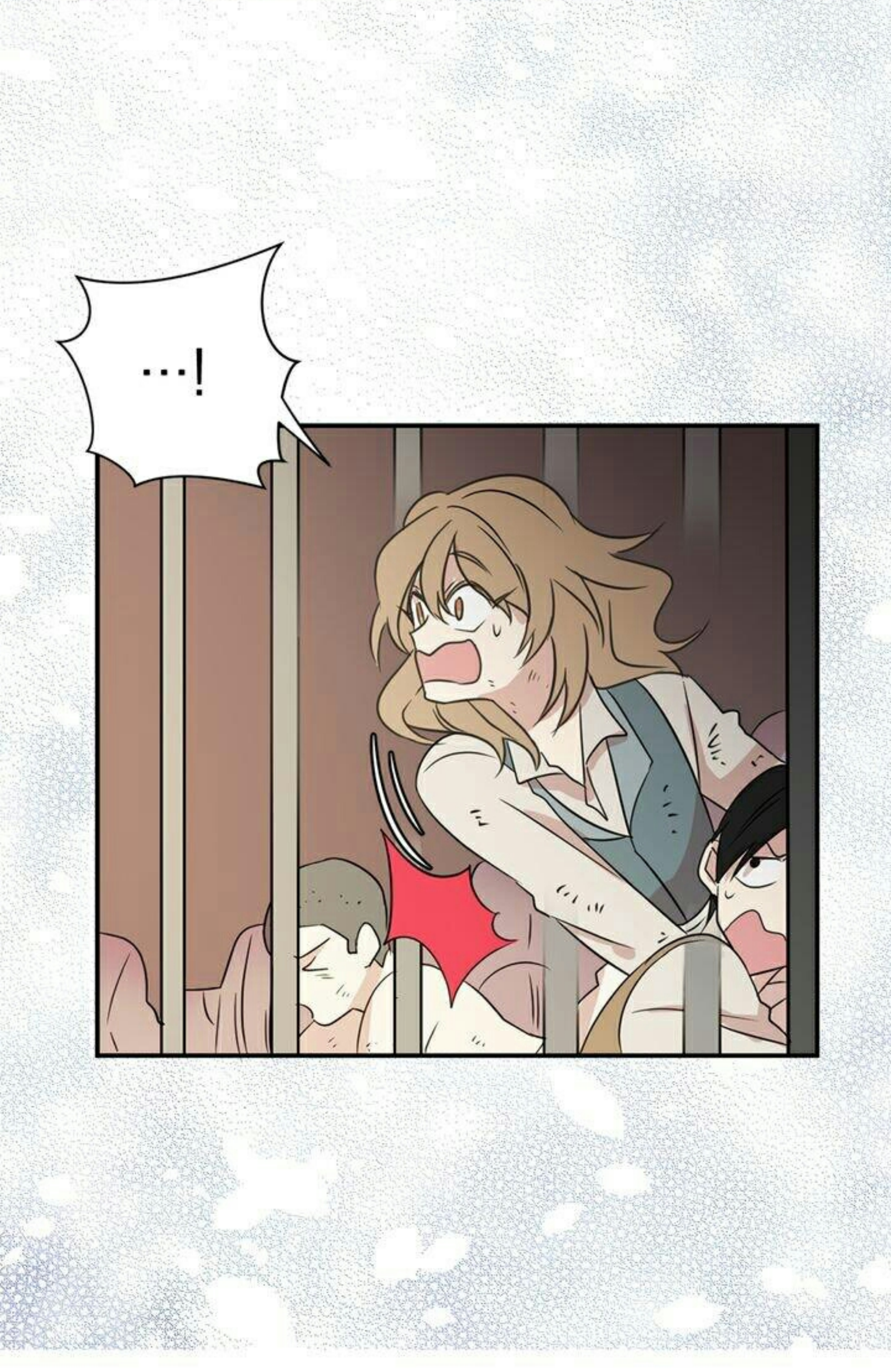
...من بهت گفتم با
انسان‌های زنده این‌طور
رفتار نکن.



... اون الان
گفت: «... من بهت گفتم
با انسان‌های زنده این‌طور
رفتار نکن.»

Ep 3





او نگاه تیزی به تاجر برده انداخت،

و ادامه داد.

اینجا -

ملک منه،



بنابراین تا زمانی
که اینجایی باید از قوانین
من پیروی کنی.



مثل انسان باهاشون
رفتار کن.



با وجود اینکه اونا بی خدا
و برده هستن...



من نوشتن این تیکه
رو هم یادمه...!



**اون یه مرد
خوش سیماست.**

موهای سیاه،

پوست روشن و شفاف،

چشم‌های قرمز و
زیبا مثل جواهر،

و نگاه نجیبش

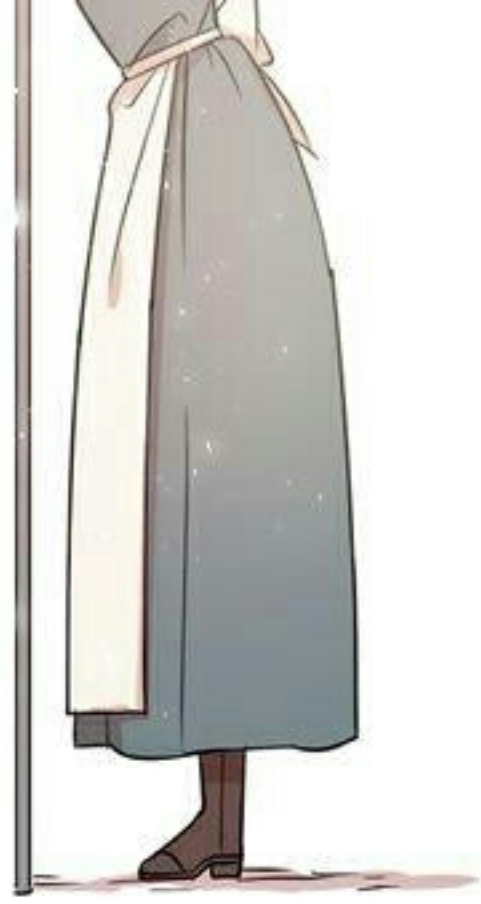
نشون می‌ده
که اون کیه.

اسم اون
ادوارد آلن دی‌کاسه.

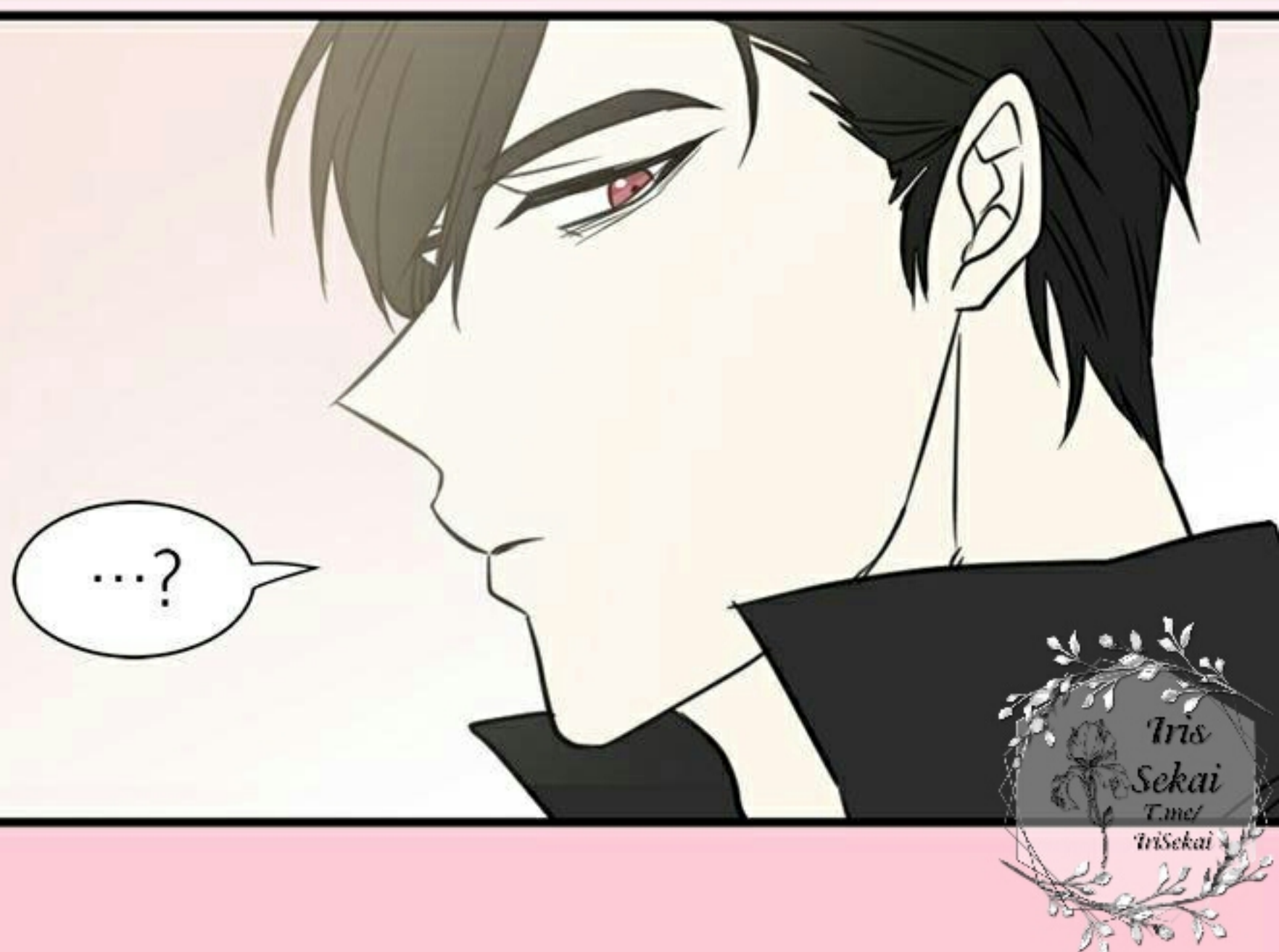
اون ارباب این
سرزمینه، لازناروک.

ادوارد، شخصیت
اصلی رمان من!!





9



مهره اصلی که...



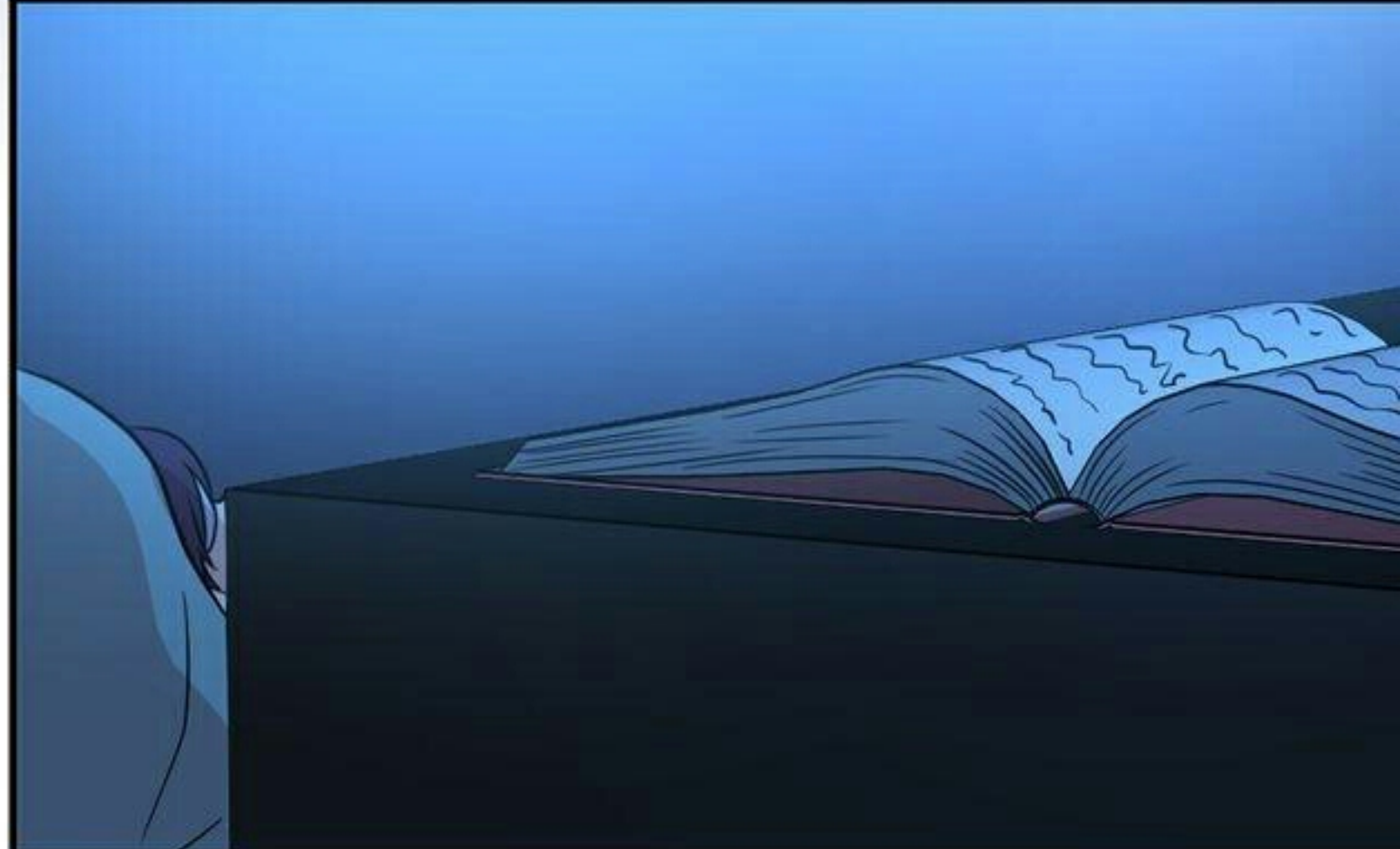
... برای زنده موندن توی
این دنیا نیاز دارم!

آره...
باید این کار رو
بکنم!

beep

beep

beep



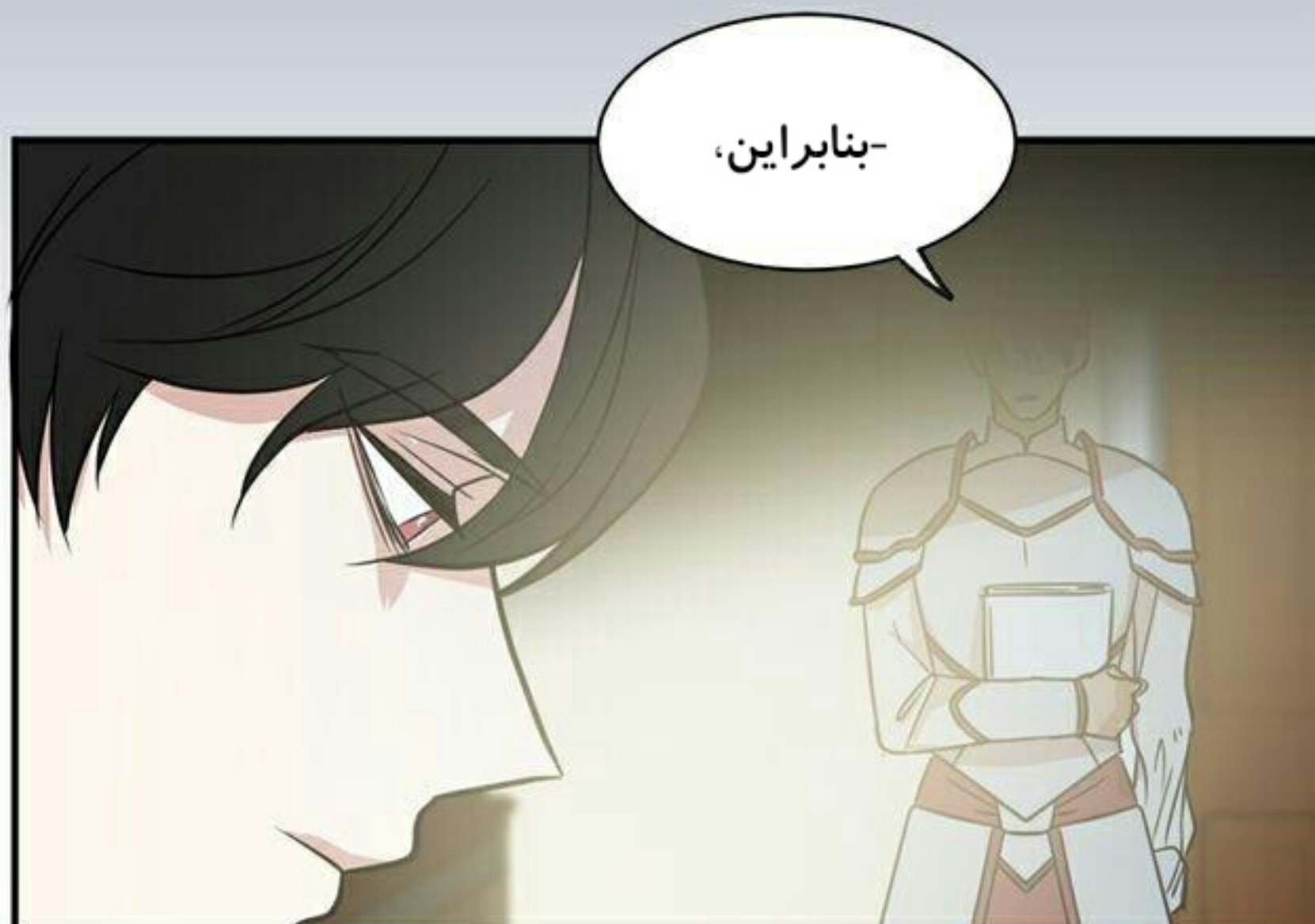
به صورت مرد غریبه نگاه کرد. اون یه مرد خوش سیماست. موهای مشکی، پوست روشن و شفاف، چشم های قرمز و زیبا مثل جواهر، و نگاه نجیبش نشون میده که اون کیه. اسم اون ادوارد آلن دیپاس-ه. اون ارباب این سرزمینه، لازاروک.

Shwoosh

به صورت مرد غریبه نگاه کرد. اون یه مرد خوش سیماست. موهای مشکی، پوست روشن و شفاف، چشم های قرمز و زیبا مثل جواهر، و نگاه نجیبش نشون میده که اون کیه. اسم اون ادوارد آلن دیپاس-ه. اون ارباب این سرزمینه، لازاروک.

اسم اون ادوارد آلن
اون ارباب این سرزمینه،
دختر برده لجوجانه به ادوارد خیره شد،
ادوارد به دلایلی نمی‌تونست نگاهش
روز از اون دختر برداره...





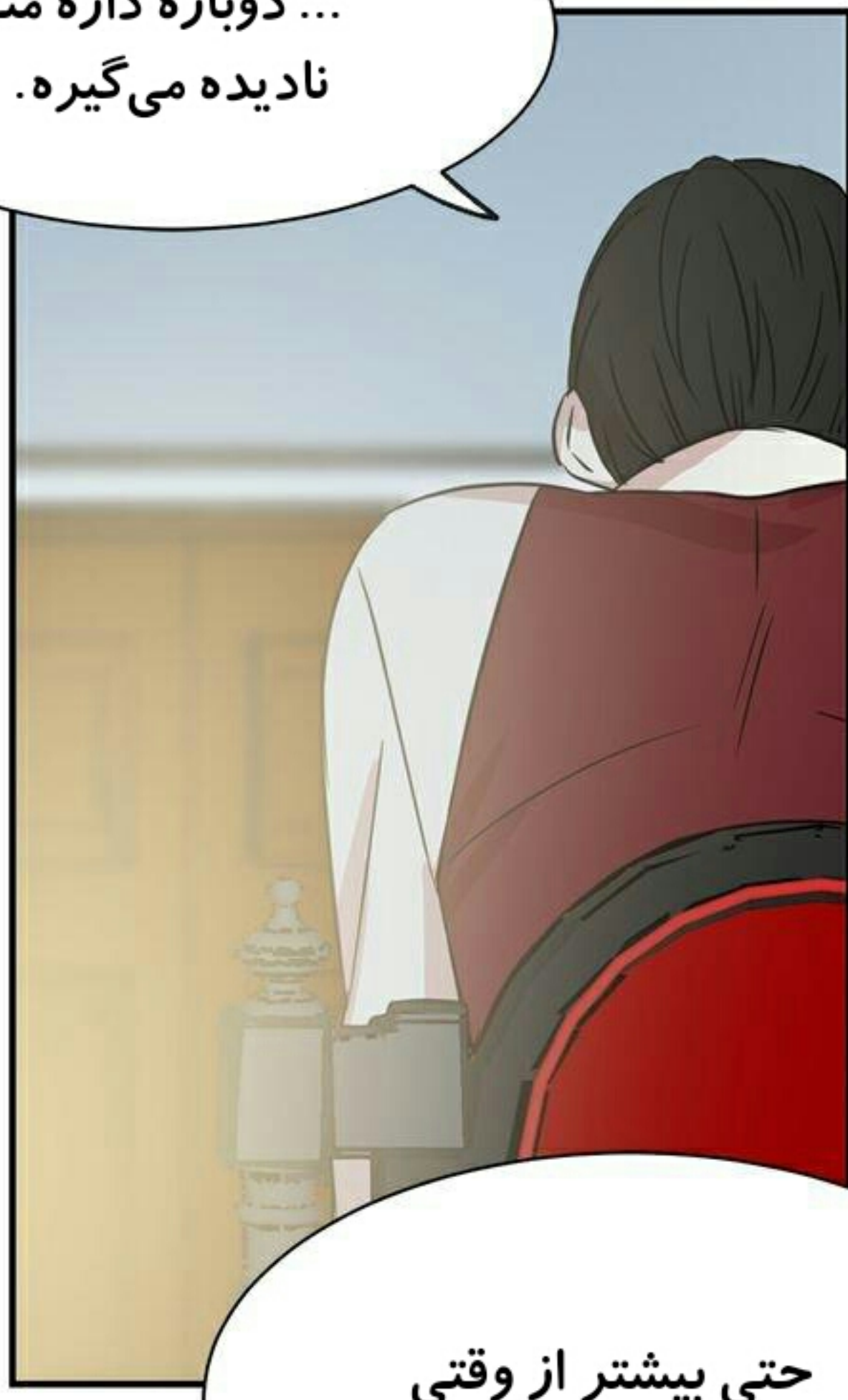
... گزارشی هست
که بگه برای سر زدن
به املاکم میاد؟



...



... دوباره داره منو
نادیده می گیره.



حتی بیشتر از وقتی
که پدر از دنیا رفت ...



ادوارد نمی‌خواست
فقط به لرد ییلاق خشک
و خالی باشد.

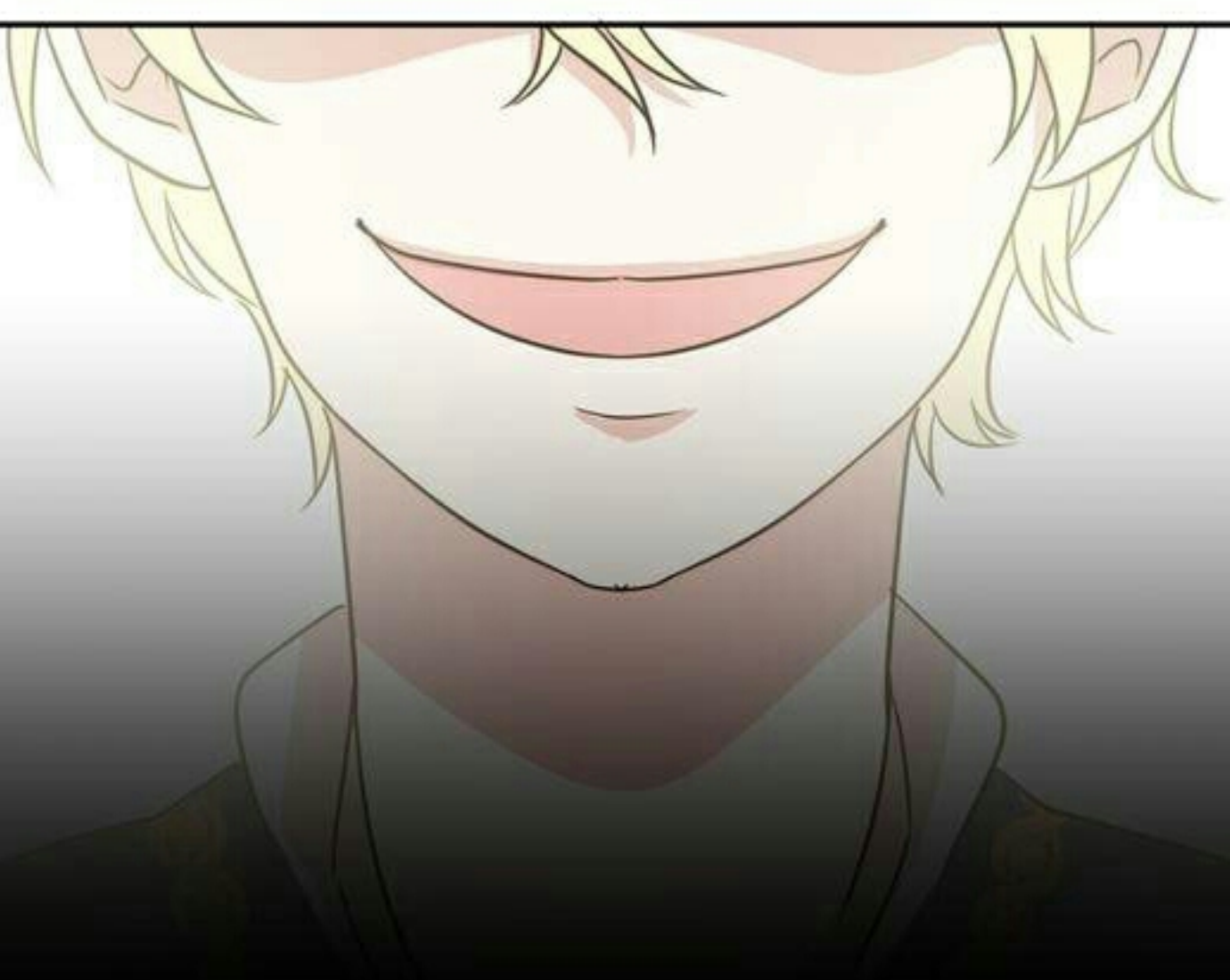
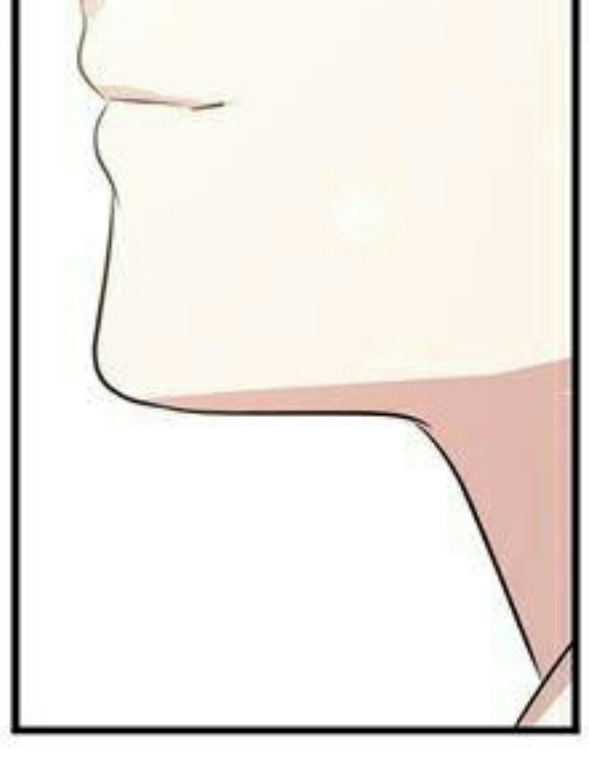
اون آشکارا هر قدرتی
که می‌تونستم داشته باشم
رو از من گرفته.

اون وارث خاندان
دیها س بود، خاندان دوک
که از نسل پادشاه بودن.

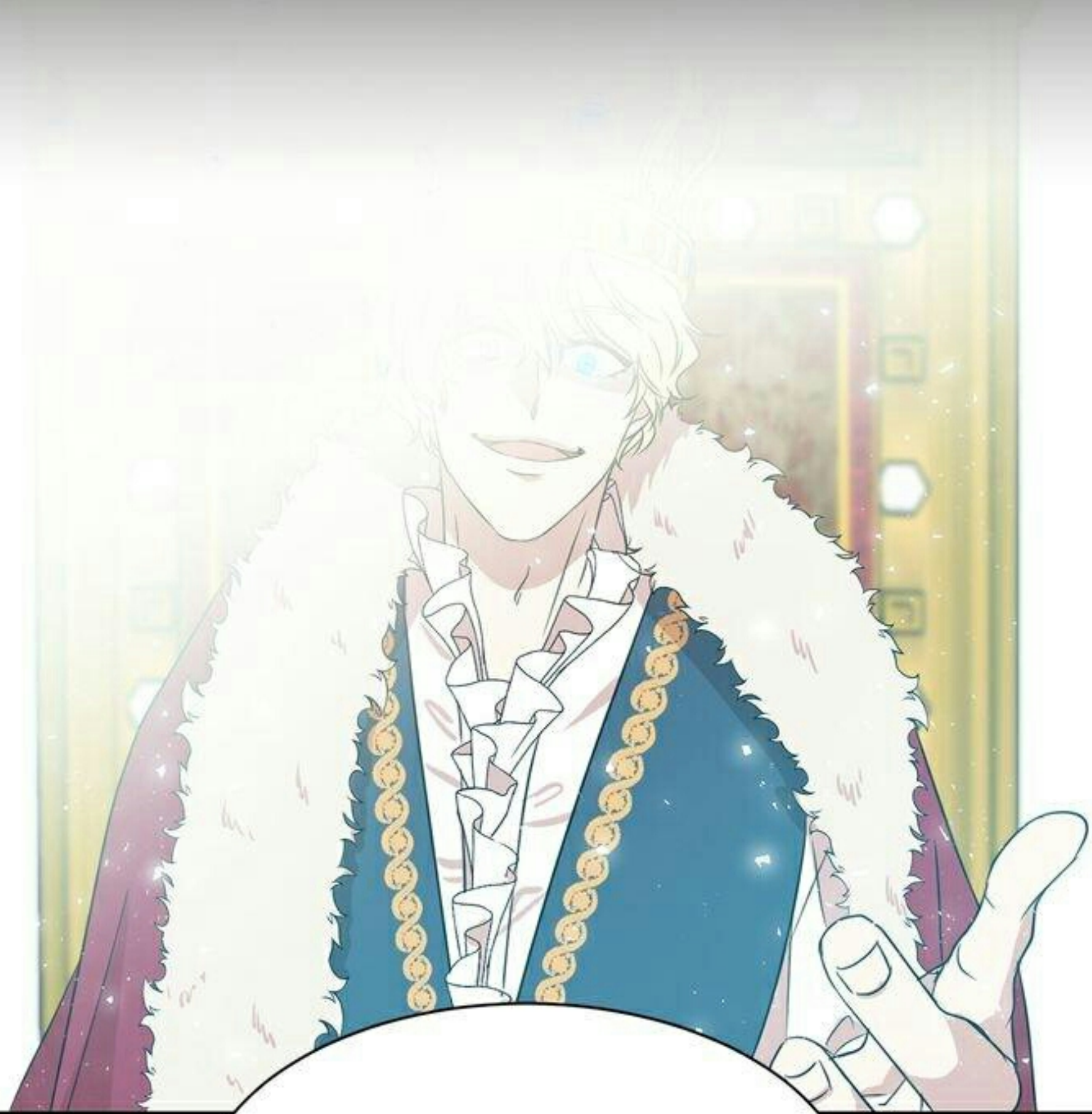
در دوران جوانی
قسمتی از جامعه
اشراف بوده،

اون به اندازه ای
بزرگ شد که دوست
امپراطور فعلی باشد.





مایلم به خاندان
دیپاس، که با حداکثر
وفاداری به تاج و تخت
خدمت کردن...



هدیه ای
اعطا کنم.

بعدش اون خانواده
مارو تبعید کرد،



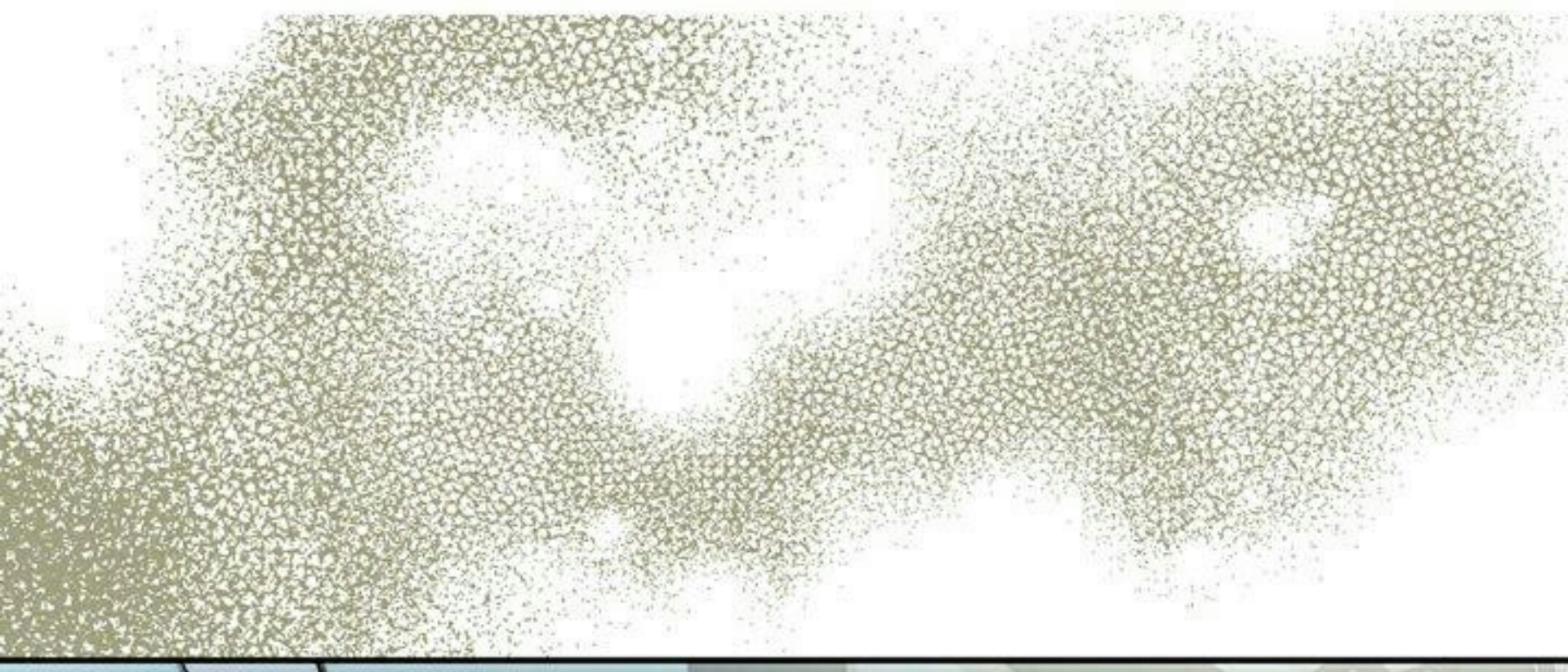
به حاشیه قاره که
حتی کاروان‌ها هم ارزش دوری
می‌کنن، چایی که از پایتخت
خیلی دیره...

پدرم به خاطر تحقیق شدن
ناامید شده بود، و زمانی که به
اینجا رسیدیم، اون...

clench

A detailed illustration of a hand clenching into a fist. The hand is rendered in shades of grey and blue, with dynamic, flowing lines suggesting movement and tension. The background is a dark, textured grey.

فکر می‌کنی...



قداره راحت این همه
تحقیق رو بپذیرم؟

ســـــرورم!

burst

چطور جرئت
می‌کنی؟

من رو عفو کنید!
خیلی فوریه!

چی شده؟

توی منطقه
یه آتش سوزی
اتفاق افتاده!



!!

آتش ~!!

برگامه ها!

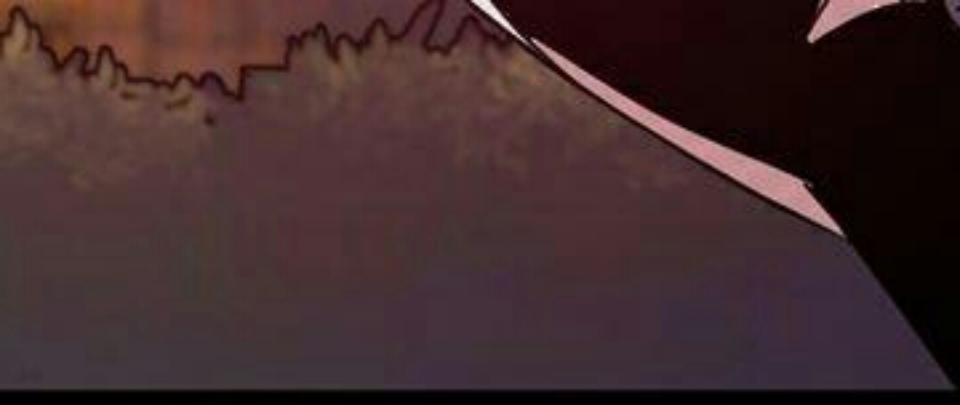
ارباب! خطرناکه!
مواظب باشین!

cough

خفه شو! اونجا
رو بین!!

اونجا جاییه که
اوراق بردمقامو نگه
می دارم!!

BLAZE



روز بعد



step



آتش دیشب از
اینجا شروع شد؟

درسته، قربان.

sob
sob

...

واقعا آتش
عجیبی بود!

وقتی روی آتش آب
ریختیم به جای خاموش
شدن بزرگ تر شد،



و حتی دودکش سنگی
رو هم سوزوند!



این طور که
مشخصه، این آتیش
چسبنده‌ست.

knead

knead

لاوین / تگن‌سین

داستان‌هایی از جنگ‌های
صلیبی مقدس وجود داره که
در جریان نبردهاش در شرق
شاهد این امر بوده.

می‌تونه
آب و سنگ رو
بسوزونه،

و حتی وقتی با
آب پوشیده می‌شه
قوی‌تر می‌شه.

شرق...!

من، من
چند تا برده شرقی از
جنگ داشتم!

و اونا الان کجان؟

در... در واقع
همشون موقع آتیش‌سوزی
فرار کردن...!

مادر سریع
ترین زمان ممکن
شکارشون می کنیم!

...اون جا
چی بوده؟

raise

اوراق همه
برده ها!

اوراق برده،
...هه

